

میشل شاسادووسکی:

جنگ اخیر گرجستان را آمریکا و اسرائیل و ناتو برنامه ریزی کرده اند

برگردان: محمد علی اصفهانی

* فریب نخوریم! آنچه رخ داد، یک جنگ داخلی نبود. آنچه رخ داد جزئی بود از یک کل به هم پیوسته: برپا کردن جنگی وسیع در خاورمیانه و در آسیای مرکزی، که جنگ آمریکا و اسرائیل و ناتو را علیه ایران آماده سازی می کند.

پروفسور میشل شاسادووسکی (۱) تحلیلی دارد از حمله ی دولت آمریکایی - اسرائیلی - ناتویی گرجستان به اوستیای جنوبی.

خواندن این تحلیل می تواند در رسیدن به پاسخی منطقی به پاره پی پرسش های مربوط به چند و چون این حمله ی ناگهانی، انگیزه های آن، دست اندرکاران پس پرده ی آن، و به خصوص نقش شوم آمریکا و اسرائیل و ناتو در آن کمک کند. با این تحلیل - از حمله - کم و بیش می توان معنای سخنان استراتژ نظامی برجسته ی روسی ژنرال ایواشف که «حمله ی گرجستان به اوستیای جنوبی، تمرین حمله ی آمریکا و اسرائیل به ایران است» (۲) را بهتر متوجه شد. همچنین اظهار نظر اخیر تری میسان، تحلیل گر برجسته و مستقل فرانسوی، و بنیانگذار شبکه ی جهانی «ولتر برای آزادی بیان» را که اقدام سریع روسیه از نظر او کمکی بود به خاموش کردن شعله پی که آمریکا و اسرائیل و ناتو برای گستردن جنگ در خاورمیانه و حمله ی احتمالی به ایران برافروخته بودند.

طبعاً عصر اندیشه های قطب گرا، چه در برخورد با سیاست جهانی، و چه در برخورد با ساده ترین مسائل و مفاهیمی که به طور روزمره با آن ها سر و کار داریم، و به طور کلی در برخورد با «مقولات» عام و با «مقولات» خاص به سر آمده است. و از همین رو، نه نوشتن و نه ترجمه ی این گونه تحلیل ها به معنای دعوت از انسان معاصر به بازگشت به عصر سپری شده نیست!

چون این مقاله ی شاسادووسکی نیز مثل بسیاری دیگر از مقالات او - بنا به

خصلت آکادمیکش - همراه با انواع و اقسام ارجاعات و نقشه ها و غیره و غیره است، در ترجمه به اندکی تلخیص و اندکی جمع و جور کردن ناچار شده ام.

۱۵ شهریور ۱۳۸۷

۵ سپتامبر ۲۰۰۸

در نیمه شب هفتم اوت، همزمان با مراسم گشایش بازی های المپیک در چین، رئیس جمهوری گرجستان، فرمان حمله ی نظامی تمام عیار به پایتخت او ستیای جنوبی را صادر کرد.

بمباران هوایی پایتخت اوستیای جنوبی به وسیله ی دولت گرجستان، به صورتی چشمگیر، مراکز غیر نظامی و شهری را مورد هدف قرار داد. مخصوصاً ساختمان های مسکونی، بیمارستان ها، و دانشگاه را.

این بمباران، مطابق منابع غربی، و همچنین منابع روسی، منجر به قربانی شدن تقریباً هزار و پانصد شهروند عادی اوستیای جنوبی، و فرار سی و چهار هزار نفر دیگر از آن ها به سمت روسیه شد.

باید با دقت بسیار، اهمیت، و چگونگی و کم و کیف و علل برنامه ریزی این جنگ را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

گرجستان، در واقع، یک پایگاه مرزی است برای آمریکا و ناتو در همسایگی بی واسطه ی فدراسیون روسیه و در نزدیکی صحنه ی جنگ خاورمیانه در آسیای مرکزی.

و اوستیای جنوبی نیز یک چهارراه استراتژیک عبور لوله های نفت و گاز است.

دولت گرجستان، بدون موافقت واشنگتن، نمی توانست اقدام به چنین حمله یی کند. در اصل، رئیس دولت گرجستان، نماینده ی آمریکا ست، و گرجستان نیز کشوری است تحت الحمایه ی آمریکا.

چه کسی در پس پشت این برنامه ی نظامی قرار دارد؟ این برنامه چه سود

هایی برای او خواهد داشت؟ هدف اصلی این برنامه چیست؟

کاملاً روشن است و در این تردیدی وجود ندارد که حملات گرجستان را با دقت و با رعایت همه ی ریزه کاری ها، ارتش آمریکا، و ناتو سازماندهی و هماهنگ کرده

اند.

وزیر امور خارجه ی روسیه، سرگئی لوارف، رسماً بر نقش «نظامیان خارجی» در این عملیات بی ثبات کننده ی منطقه تأکید می کند:

- همه ی آنچه پیش آمد، تأیید کننده ی اعلام خطر های پی در پی ما طی این سالیان است در مورد خرید های وسیع سلاح به وسیله ی گرجستان. و حالا نتیجه را داریم می بینیم. داریم می بینیم که این سلاح ها، و نیرو های ویژه ی گرجستان که به وسیله ی بیگانگان آموزش دیده اند مشغول ایفای چه نقشی هستند.

بر عکس آنچه رسانه های غربی وانمود می کنند، مسکو غافلگیر نشده است و پیشاپیش منتظر وقوع چنین حادثه یی بوده است. و پیش بینی هم می شد که این حادثه را همزمان با مراسم گشایش بازی های المپیک به وجود بیاورند تا خبر آن تحت الشعاع آن خبر دیگر قرار گیرد.

نیرو های روسی در همان هفتم اوت خودشان را آماده کرده بودند. و از همین روست که می بینیم ضدحمله ی آن ها توانست به سرعت، مسائل را دیگرگون کند و حمله ی گرجستان را در هم بشکند.

عملیاتی برای تحریک ؟

نظامیان و برنامه ریزان اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و ناتو، به طور منظم و بی وقفه، انواع و اقسام «سناریو» ها را برای ترتیب دادن حمله ی گرجستان به اوستیای جنوبی مورد بررسی قرار داده اند.

و در این مورد معین، این حمله ی انجام شده، به صورتی آگاهانه و متعمدانه، چنین طرح ریزی شده بود که آماج های غیر نظامی، مورد حمله قرار بگیرند تا تعداد قربانیان در میان مردم عادی، هرچه بیشتر و افزون تر باشد. (۳)

از قبل معلوم بود که پیروزی گرجستان و تسخیر مرکز اوستیای جنوبی غیر ممکن است. و هدف واقعی هم چیزی جز این بود. یعنی طراحان نظامی آمریکا و ناتو، از

همان آغاز برنامه ریزی، به خوبی می دانستند که در پی چه هستند. ایجاد یک فاجعه ی بزرگ انسانی، نه یک پیروزی نظامی، جزء لاینفک و محتوم و طراحی شده ی این سناریو بود. هدف، این بود که مرکز اوستیا ویران شود، و در همان حال، تعداد قربانیان عادی، هرچه بیشتر باشد.

اگر هدف واقعی، این می بود که گرجستان، اوستیای جنوبی را تسخیر کند، متد کار می بایست کاملاً متفاوت باشد. یعنی می بایست از نیروهای ویژه برای در اختیار گرفتن مراکز دولتی، شبکه های مخابراتی، و تأسیسات اوستیا استفاده شود. در حالی که درست بر عکس، عمل شد: بمباران محلات معمولی و مجتمع های مسکونی و بیمارستان ها، و نیز دانشگاه.

روسیه پاسخ داد. دولت گرجستان را ناتو و آمریکا «تشجیع» کردند که چنین کند. و هم واشنگتن و هم مرکز ناتو در برکسل، هردو به صورتی بسیار روشن و دقیق می دانستند که ضدحمله ی روسیه چه نتیجه یی به بار خواهد آورد.

پرسش، این است:

آیا هدف چنین سناریویی، عالماً و عامداً، وادار کردن روسیه به پاسخگویی بود؟ به قصد یک رویارویی نظامی گسترده با گرجستان و متحدان آن، که منجر به جنگی فراگیر و بی مرز شود؟

در میان نیروهای ائتلاف که کشور عراق را تحت کنترل دارند، بعد از آمریکا و انگلستان، گرجستان صاحب سومین سهمیه ی نظامیان خارجی در عراق است. با حدود دو هزار نفر.

طبق اطلاعات به دست آمده، هواپیما های نظامی آمریکا در حال خارج کردن این نفرات از عراق و بازگرداندنشان به گرجستان به منظور مقابله با روسیه هستند.

و از این کار آمریکا چنین استنباط می شود که واشنگتن قصد دارد که نزاع را گسترش دهد و در این راه، از نیرو های دولت گرجستان به عنوان گوشت دم توپ در برابر نیرو های روسیه استفاده کند.

آمریکا، اسرائیل، و ناتو، با هم در این حمله سهیمند

در نیمه ی ماه ژوئیه ی امسال، نیرو های نظامی آمریکا و گرجستان، یک تمرین نظامی مشترک با هم انجام دادند به نام «پاسخگویی سریع». در این تمرین، ۱۲۰۰ آمریکایی و ۸۰۰ گرجستانی شرکت داشتند. هنوز به زور، یک هفته از اتمام این تمرین مشترک نگذشته بود که گرجستان در ۷ اوت به اوستیا حمله کرد. این تمرین، آشکارا چیزی نبود به جز تمرین نظامی بی - بر مبنای تمامی احتمالات - برای همراهی و همکاری تنگاتنگ پنتاگون و گرجستان در ماجرای هفتم اوت.

جنگ با اوستیای جنوبی، به این منظور طراحی نشده بود که برنده شود و حاکمیت گرجستان را بر اوستیای جنوبی تأمین و تضمین کند. بلکه به منظور بی ثبات کردن منطقه و به راه انداختن رودر رویی میان آمریکا و ناتو با روسیه طراحی شده بود و به مرحله ی اجرا درآمده بود.

فرب نخوریم! آنچه رخ داد، یک جنگ داخلی نبود. آنچه رخ داد جزئی بود از یک کل به هم پیوسته: برپا کردن جنگی وسیع در خاورمیانه و در آسیای مرکزی، که جنگ آمریکا و اسرائیل و ناتو را علیه ایران آماده سازی می کند.

نقش مشاوران اسرائیلی

درست است که خود ناتو و مشاوران نظامی آمریکا مستقیماً در عملیات شرکت نداشتند، اما آن ها در طراحی و در تدارکات حمله، به صورت فعال حاضر بودند. مطابق منابع اسرائیلی، حمله ی گرجستان، با استفاده از تانک ها و توپخانه ها «با کمک مشاوران نظامی اسرائیل» انجام پذیرفته است.

اسرائیل، همچنین، به گرجستان هواپیما های بدون خلبان «هرمس - ۴۵۰» و «اسکای لارک» تحویل داده است.

مطابق گزارش ششم اوت روزنامه ی گرجستانی Rezonansi که بی بی سی نیز آن را به زبان انگلیسی منشر کرده است، گرجستان توانسته است به سلاح های قدرتمند دیگری نیز دست یابد که محصول بهینه سازی هوا پیما های - SU

25 و سیستم های توپخانه پی در کشور اسرائیل است.

روزنامه ی اسرائیلی ها آرتص، در دهم اوت امسال، گزارش داد که اسرائیل در ساختن و بازساختن نیروی نظامی، و آموزش های امنیتی در گرجستان نقشی بزرگ داشته است.

اگر ما به این همه، در متن جنگ خاورمیانه نگاه کنیم، بحران اوستیای جنوبی احتمالاً به تصاعد جنگ، و مخصوصاً به رودرویی مستقیم میان نیروهای روسیه و ناتو می انجامد. در چنان صورتی ما با بزرگترین بحران میان آمریکا و روسیه بعد از بحران موشکی اکتبر ۱۹۶۲ در کوبا، روبرو خواهیم بود.

گرجستان یک «پایگاه مرزی» آمریکا و ناتوست

گرجستان از آوریل ۱۹۹۹ جزء یکی از اتحاد های نظامی ناتو به نام GUAM است. از همان آغاز جنگ یوگوسلاوی.

گرجستان همچنین یک قرارداد نظامی دوطرفه با آمریکا امضا کرده است. و این اتحاد ها باعث حفظ منافع نفتی انگلیسی - آمریکایی در منطقه ی دریای خزر است، و همچنین کنترل مسیر لوله های نفت و گاز.

ناتو و آمریکا، علاوه براین، به صورت نظامی در گرجستان حضور دارند. در رابطه ی تنگاتنگ با نیرو های نظامی این کشور.

در همین چند ماه پیش، یعنی در نیمه ی ماه مه امسال، وزیر دفاع روسیه اعلام کرده بود که: «همراهی نظامی آمریکا، ناتو، و اسرائیل، منطقه را بی ثبات خواهد کرد.».

وزیر دفاع روسیه حتی تعداد دقیق انواع سلاح هایی را که آمریکا و ناتو و اسرائیل به گرجستان داده بودند اعلام کرده بود.

او در ارتباط با سلاح های تحویل داده شده توسط اسرائیل به گرجستان، این سلاح ها را چنین برشمرد:

- هفتاد خمپاره انداز

- ده سیستم موشکی زمین به هوا

- هشت هواپیمای بی خلبان

- و سلاح های دیگر.

بر طبق قرارداد های نظامی امضا شده، آمریکا، ناتو، و اسرائیل، دولت گرجستان را به سلاح های نظامی بسیار پیشرفته، مسلح می کنند، و همچنین به کار آموزش نظامی و امنیتی نیرو های گرجستان مشغولند. درست است که گرجستان هنوز به صورت رسمی، عضو ناتو نیست. اما در عمل، کاملاً در سیستم ناتو ادغام شده است.

پیوند با اسرائیل

در حال حاضر، اسرائیل جزئی است از محور نظامی انگلیسی - آمریکایی پی که منافع غول های نفتی غرب را در خاورمیانه و آسیای مرکزی تضمین می کند. اسرائیل شریک شبکه ی نفتی موسوم به BTC است که از طریق باکو، ترکیه، و تفلیس پایتخت گرجستان، نفت و گاز را به شرق مدیترانه منتقل می کند. بیش از ۲۰ درصد نفت اسرائیل از کشور آذربایجان تأمین می شود که بخش اعظم راه عبور آن جزء همین شبکه ی BTC قرار دارد. شبکه پی که در اختیار بریتیش پترولیوم است که با در اختیار داشتن چنین شبکه پی به گونه پی ریشه پی و بنیادی، ژئوپلیتیک مدیترانه شرقی و قفقاز را تغییر داده است.

هدف اسرائیل فقط این نیست که نفت دریای خزر را برای مصرف داخلی خودش مورد استفاده قرار دهد. بلکه اسرائیل، می خواهد با سهم بودن در BTC بازتصدیر (صدور دوباره به عنوان واسطه) نفت به بازار های آسیایی از طریق بندر ایلات را تحت کنترل خود داشته باشد.

یک قرارداد نظامی همه جانبه میان گرجستان و اسرائیل در سال ۱۹۹۹ بسته شده است. یعنی تقریباً یک ماه قبل از قرارداد GUAM میان گرجستان و ناتو.

محصول این نوع قراردادها، سرانجام، تضعیف روسیه در قفقاز و آسیای میانه است.

پاسخ روسیه، و انعکاس آن در رسانه های غربی

رسانه های غربی، روسیه را به عنوان تنها مسئول کشته شدن مردم عادی می دانند. اما خود آن ها (مطابق گزارش بی بی سی) قبول دارند که بیشتر قربانیان را کسانی تشکیل می دهند که در همان اول کار، در نتیجه ی حملات هوایی گرجستان به اوستیای جنوبی کشته شده اند.

آیا ما در برابر تحریکاتی قرار داریم که به منظور افروختن آتش یک نزاع بزرگتر انجام می پذیرند؟

این طور که اظهارات ناتو نشان می دهد، اتحاد نظامی غرب، قصد دارد که با کمک تبلیغات مدیاتیکی، واقعه ی اخیر را دستاویزی قرار دهد برای رودرویی با روسیه.

www.ghoghnoos.org

تیترا اصلی و لینک مقاله:

War in the Caucasus: Towards a Broader Russia-US Military Confrontation?

www.globalresearch.ca/index.php?context=va&aid=9788

۱ - پروفیسور Michel Chossodovsky استاد اقتصاد در دانشگاه اوتاوا کانادا، مدیر مرکز مطالعات و بررسی ها در زمینه ی گلوبالیزاسیون، و از همکاران دایرة المعارف بریتانیکا و مسئول سایت معتبر Global Research است. کتاب های فراوان او مخصوصاً «گلوبالیزاسیون فقر»، جزء پرفروش ترین کتاب های جهان هستند و به زبان های متعدد ترجمه شده اند.

۲ - جهان در آستانه ی یک نزاع بزرگ قرار گرفته است؛ و آمریکا و کشور های عضو ناتو مشغول فراهم آوردن زمینه ها و امکانات لازم برای یک استراتژی تهاجمی هستند...

عملیات ناتو در خاک گرجستان، روسیه را هدف گرفته است، و مردم اوستیای جنوبی، در این میان، گروگان هایی بیش نیستند... ما این عملیات را به عنوان عملیات تمرین حمله به ایران ارزیابی می کنیم. ..

ژنرال ایواشف: حمله گرجستان به اوستیا تمرین حمله آمریکا به ایران است!

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/ivachov270808.html>

۲ - هدف گرفتن متعمدانه ی مردم عادی، در مرام حکومت اسرائیل (از سروران دولت فعلی گرجستان و از طراحان جنایتی که شاسادووسکی از آن نام می برد) یک شیوه ی شناخته شده ی جنگی است.

صرفنظر از نمونه های فراوانی که اسرائیل در اجرای این سیاست خود به طور روزمره در حق فلسطینیان - مخصوصاً کودکان و زنان - روا می دارد، یک نمونه ی بارز و گسترده ی این سیاست را در کشتار متعمدانه ی مردم عادی لبنان در جریان تجاوز ۲۲ روزه ی سال ۲۰۰۶ اسرائیل به این کشور می توان دید که بخش غیر نظامی آن به عهده ی کارگزاران لبنانی و عرب و ایرانی اسرائیل محو شده بود با ترویج این ایده ی کثیف که «تقصیر نیروی مقاومت لبنان بود که این همه آدم عادی کشته شدند؛ نه تقصیر اسرائیل که آن جنگ را به حساب آمریکا و برای زایمان خاورمیانه ی بزرگ، و استقرار دموکراسی از دمشق تا تهران به راه انداخته بود.

رابرت فیسک، در همان زمان، در گزارشی، که به ترجمه ی همین قلم منتشر شد، این عمل مافوق جنایت را اینچنین ترسیم کرد:

اسرائیلی ها پی در پی یاهو هایی سرهم می کنند از قبیل عملیات «جراحی»، یا مباران های «دقیق». خوب، اگر حرف آن ها واقعیت دارد، پس باید بگوییم که قتل عام این همه شهروند عادی، در حمام خون لبنان، همه فقط حوادث اتفاقی است.

ولی به این دلیل که امروز، لیست های اهداف مورد نظر اسرائیل، به گونه یی روشن و آشکار، شامل هدف های شهری هستند، بیش از پیش، به روشنی ثابت می شود که:

حمله های هوایی اسرائیل، با اراده ی از پیش تعیین شده ی کشتن بی گناهان انجام می پذیرند... تا به کی ما باید همچنان اصطلاح «جنایت جنگی» را به کار ببریم؟

چند کودک دیگر باید همچنان در حملات هوایی اسرائیل، مثل آدم های تئاتر، به نمایش گذاشته شوند، تا ما اصطلاح وقیح «احساس تأثر همسان و همسنگ» را کنار بگذاریم و شروع به سخن گفتن از تعقیب و تنبیه «جنایت علیه بشریت» کنیم؟

پیکر یک کودک، همچون عروسکی پارچه یی و مندرس: سمبل جنگ اخیر لبنان

http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar02/fisk_child.html